گونه شناسی «یاریگریها» و تعاونیهای سنتی در ایران

فرهادی، مرتضی

«...تعاونوا على البر و التقوى، و لا تعاونوا على الاثم و العدوان...» (قرآن کریم، المائده، آیه 3)

«یاریگرى»و«تعاون»از ویژگیهاى جوامع سنتى است.جامعه سنتى ما نیز در گذشته و حال، و در موارد گوناگون و براى مقابله با دشواریهاى زندگى به چنین راه حلهایى نیازمند بوده و هنوز نیز هست.

خست و خشونت طبیعت-شرایط اقلیمى و جغرافیایى دشوار-فقر اقتصادى و فقدان امنیت از سویى، و فرهنگ«یارى دوست»و پراخوت اسلامى از سوى دیگر، در درازاى زمان، مردم ما بویژه روستاییان و کوچ‏نشینان ما را هر چه بیشتر به هم وابسته کرده است.

برخورد سازنده و هشیارانه با این دشواریها، چه در زمینه تولید کشاورزى و دامدارى، و چه در زمینه مبارزه با طبیعت و سایر عرصه‏هاى اجتماعى، به آفرینش شکلهاى بسیار متنوع و سازگارى از یاریگرى و تعاون انجامیده است.

گرچه دانش مردم شناسى در میهن ما دانش بسیار نوپایى است، و ما در این زمینه در نخستین گامهاى گردآورى دانسته‏ها و ابزارها و توصیف آنها -مردم نگارى-فرهنگ بومى خود هستیم.با اینهمه، و در مقایسه با برخى زمینه‏هاى دیگر فرهنگى، همچون بررسى و گردآورى گویشها، باورها و بویژه ادبیات عامیانه، قصه‏ها، ضرب المثلها، و ترانه‏ها، پژوهش و گفتگو در مباحثى از این دست به مراتب کمتر انجام شده است.

تحقیق درباره یاریگریهاى سنتى در جامعه ما دوران جنینى خود را مى‏گذراند، و از جمله جهات، از قبیل مردم شناسى اقتصادى و جامعه شناسى و تاریخى، بایستى در این زمینه کار شود، تا تصویرى روشن و همه جانبه از کم و کیف یاریگرى در جامعه دیروز و امروز ما به دست آید.

خالى بودن تقریبا مطلق جامعه ما از تحقیقات و مطالعات درباره یاریگریهاى سنتى-همچنان که پیش از این اشاره شد-زمینه و محیط مناسبى براى تقلید کورکورانه از تعاونیهاى رسمى فرنگیان گردید.

و همچنین محیط را براى پیدایش پیشداورى درباره روحیه تکروى ایرانیان و بویژه روستاییان فراهم ساخت.تا جاییکه دستاویزى شد، براى مسؤولین و سخنگویان دولتهاى گذشته در حکومت پیشین، که گناه بسیارى از شکستها و محرومیتها در زمینه تولیدى و کشاورزى را به گردن تکروى روستاییان بیندازد.

«همیاریها»و«تعاونیهاى سنتى»مى‏تواند مورد استفاده و استناد پژوهندگان و دانشجویان رشته‏هاى گوناگون دانشهاى اجتماعى، همچون:تاریخ اقتصاد، جامعه‏شناسى و جامعه‏شناسى روستایى و ایلى ایران، مردم‏شناسى و مردم‏شناسى اقتصادى، و زبانشناسى و غیره قرار گیرد.

زیاده بر این کاربردهاى دانشگاهى که نهایتا فایده آنها چیزى جز فایده دانش نیست، اینگونه مطالعات مى‏تواند، در مسائل جارى و ضرورى جامعه، کاربردهاى عملى نیز داشته باشد.همچون برنامه‏ریزیهاى کشاورزى و ایلى و بویژه برنامه‏ریزیهاى تعاونى در پهنه کشور و مناطق روستایى و ایلى.

«حاصل مطالعه در خصوصیات تعاونى سنتى آشکار مى‏سازد، که تقریبا در همه جا تعاونیهاى سنتى پیروز و موفق بوده، و در مقابل مشاهده مى‏شود، که تعاون رسمى و قانونى در اغلب موارد با شکست مواجه بوده است...حقیقت این است که تعاونیهاى سنتى در سطح خود مصرفى موفقیت و پیروزى حتمى دارند، و تعاونیهاى رسمى، در سطح تجارى و بازرگانى مى‏توانند، دوام و توفیق داشته باشند، که دور از اصول و هدفهاى تعاون محسوب مى‏گردد.

تضاد و تفاوتى که بین تعاون رسمى و سنتى دیده مى‏شود، ناشى از همین است.باید دید چگونه مى‏توان از اهرم تعاون سنتى براى پیشبرد هدفهاى تعاون رسمى تا سرحد دریافت یک قدرت عمل و رقابت تجارى استفاده کرد؟

این بزرگترین و مهمترین مسئله‏اى است که نهضت تعاون در ایران در مقابل خود دارد، و مسئله اساسى در اینجاست که چگونه مى‏توان میان تعاون سنتى و تعاون رسمى پل زد و این دو را به هم دوخت؟

برنامه‏هاى آینده تعاون مى‏بایستى در جستجوى روشها و ابداعاتى در این زمینه باشد 2 .»

«...به همین جهت ضرورت دارد، بررسى‏هاى اکتشافى عمیقى از دیدگاه جامعه‏شناسى، مردم‏شناسى، و روانشناسى اجتماعى در زمینه تعاون سنتى در جامعه روستایى انجام گیرد، و با شناخت دقیق پایه‏هاى اساسى همکارى و تعاون سنتى در روستاها، آن را حفظ کرده، و به صورت قالبهاى جدید و متحول درآورد 3 .»

همچنین مى‏توان از پدیده‏هاى گیرا و آموزنده همیاریها و تعاونیهاى سنتى در کتابهاى درسى مدارس، و آموزش تعاون و همیارى از رسانه‏هاى گروهى، در پهنه کشور سود جست، و از این راه، به توانبخشى و بالندگى آرمانها و اخلاق تعاونى در جامعه یارى کرد.

گونه‏هاى«یاورى».

از آنجا که«یاورى»در جامعه سنتى ما، چه از نظر جهت-یکسویه و یا دو سویه بودن، عمودى و یا افقى بودن آن-و چه از نظر سادگى و پیچیدگى روند یاریگرى، و چه از نظر درجه لزوم و اجبار و اختیار در کار، و چه از نظر زمان یاریگرى-موسمى و غیر موسمى بودن، گسسته و یا پیوسته بودن آن-، و بالاخره از نظر مضمون و عرصه‏هاى یاریگرى، گونه‏هاى مختلفى را شامل مى‏گردد.

از آنجا که نوشته حاضر، یکى از نخستین کارهاى بومى در این زمینه بوده، و هنوز در ادبیات و زبان علمى جامعه‏شناسى و مردم‏شناسى ما، تأملى بسزا درباره گونه‏هاى یاورى و تحدید و کرانه‏جویى و به دیگر سخن، تعریف و طبقه‏بندى آنها به عمل نیامده است، لازم مى‏داند، طرحى در این زمینه ارائه دهد، و در این کار از واژگانى همچون:همیارى، خودیارى و تعاون، که امروز، در نوشته‏ها و محاوره، اغلب به صورت مترادف به کار برده مى‏شوند، براى نامگذارى گونه‏هاى مختلف یاورى، استفاده کند.

گرچه نگارنده تا اندازه‏اى به دشوارى کار طبقه‏بندى، و بویژه طبقه‏بندى پدیده‏هاى اجتماعى واقف است، اما امیدوار است، که این طرح-با همه کاستیهایش-پس از این توسط پژوهندگان و منقدین و «واژه وران»، نقد و تصحیح و تکمیل شود.

یاورى و یاریگرى 4

همچنان که خواننده هوشمند، تا همین‏جا خود به فراست دریافته، نگارنده واژه یاورى و یاریگرى را به معناى عام هرگونه یارى و همیارى و تعاون اصطلاح کرده است، اکنون بر این اساس، یاورى و یاریگرى‏هاى موجود در جامعه سنتى ایران را از نظرگاههایى که پیش از این به آنها اشاره شد، بخشبندى مى‏کنیم.

گونه‏هاى یاورى از نظر کیفیت سمت و سوى

به نظر نگارنده، مهمترین عاملى که انواع یاورى را به صورت اساسى از یکدیگر متمایز مى‏سازد، سمت و سوى کنش یاورى است، مانند:عمودى و یا افقى بودن کنش یاورى، یکسویه و یا دو سویه بودن، «برون سویه» و یا«درون سویه»بودن آن، و بالاخره سادگى و پیچیدگى این کنشها.

از این دیدگاه، انواع یاورى در جامعه سنتى ما را مى‏توان، در گام نخست به دو گونه یارى و همیارى تقسیم کرد.

یارى و همیارى

با وجود برخى شباهت‏ها، یارى و همیارى در نمونه‏هاى بارز و ناب خود، داراى تفاوتهاى مهمى با یکدیگر مى‏باشند.

اولا:چنین به نظر مى‏رسد که یارى کنشى است «یکسویه»و«عمودى»، که از بالا به پایین بین فراتر و فروتر(توانا و ناتوان)جریان مى‏یابد.چه در زمینه‏هاى عینى و مادى و چه در زمینه‏هاى ذهنى و معنوى.

در حالیکه همیارى جریانى است«دوسویه»و «افقى»که بین کسانى که کم و بیش تواناییهاى مشابه و یکسانى دارند، -همترازان-و یا کسانى که مى‏توانند، تواناییهاى همدیگر را تکمیل و یا کمبودهاى یکدیگر را جبران کنند، به وجود مى‏آید.

به عبارت دیگر، در یارى نقش یارى دهنده و یارى گیرنده بطور نسبى ثابت است، اما در همیارى نقش این دو بطور متناوب تغییر مى‏کند.

به دیگر سخن و به تعبیرى مى‏توان گفت که تفاوت یارى و همیارى تفاوت«بخشش» 5 و نوعى«معاوضه»و «مبادله»است.این مبادله و معاوضه مى‏تواند در زمینه‏هاى نیروى کار، ابزار، مواد و مصالح، اطلاعات و عواطف باشد.

البته در همیاریهاى سنتى این موارد اغلب با یکدیگر آمیخته‏اند، و همیارى خالص و تنها در یک مورد، کمتر به چشم مى‏خورد.

در روستا، وقتى کسى حاضر مى‏شود با دیگرى همیارى کند، گرچه ممکن است این همیارى در زمینه تعویض نیروى کار و یا ابزار باشد، اما معنى دیگر آن این است که به او علاقه دارد و براى او ارزش و احترام خاص قائل است.

از این گذشته وقتى یک روستایى به تنهایى و یا با گاوش به کمک همکار خود مى‏رود، خود این مسئله سبب مى‏شود تا مجال بسیار خوبى فراهم گردد، که این دو از صبح تا شب، در ضمن کار به عقده گشایى و درد دل بنشینند، و از نظر عاطفى و روانى تشفى یابند، و اطلاعات و خبرهاى ده و اطراف را رد و بدل کنند، از یکدیگر اطلاعات جدیدى به دست آوردند و یا اطلاعات پیشین و اطلاعات فرهنگى را مرور کرده، جمع‏بندى نموده و نتیجه‏گیرى کنند.

در نامهاى محلى همیاریها و تعاونیهاى سنتى و اصطلاحات مربوط به آنها، به برخى واژگان برمى‏خوریم که نشان مى‏دهد صاحبان و عمل کنندگان به این همیاریها به جنبه مبادله‏اى مسئله نیز وقوف داشته‏اند.

براى نمونه، اصطلاحات«آدم به آدم»و «گو به گو»(گاو به گاو)در خمین، «عوضى»در روستاى«گاچ»کوه میش سبزوار، «عمله قرضى»در نیمور محلات«مردامردى»در«وانشان»گلپایگان، و همچنین از 80 نام«شیرواره»-نوعى تعاونى سنتى و بسیار کهن در زمینه دامدارى-، بیش از 12 نام از نامهاى فارسى و ترکى و ارمنى آن به معناى معاوضه و قرض و وام است.

البته این نامها همچنان که اشاره شد تنها یک جنبه از جنبه‏هاى همیارى را نشان مى‏دهند، و خواهیم دید نسبت به نامهاى دیگر، نامهاى تازه‏ترى نیز مى‏باشند.نامهاى دیگر همیارى، جنبه‏هاى دیگر آنرا برملا مى‏سازند.

گفتیم همیارى نوعى مبادله است، که مضمونى چند گانه دارد، اما با اینهمه در بیشتر همیاریها محور اصلى همان نیروى کار و ابزار و مواد و مصالح مورد نیاز مى‏باشد، و مبادلات دیگر در پیرامون و به دنبال آن شکل مى‏گیرند.

مبادله مجرد، مبادله مرکب.

پیش از این گفتیم، به تعبیرى همیارى نوعى مبادله است.تأکید بر«نوعى»از آن جهت است، که آنرا از مبادله‏ها و مشارکت‏هاى جوامع صنعتى و شهرى جدا کرده باشیم.

جوامع صنعتى امروزى نیز حاصل شبکه‏هاى بسیار پیچیده و عظیم مبادلات و مشارکتها و همکاریهاى گوناگون است، که روز به روز بیشتر در عرصه معاوضه کار و کالا با پول، و معاوضه پول با کار و کالا به نمایش درآمده، و پى در پى به وسیله پول معنى و محاسبه شده، و به وسیله آن خشک و رسمى و مجرد و پرفاصله گشته، و از جنبه‏هاى معنوى تهى مى‏گردند.

اما مبادله در همیاریهاى سنتى، مبادله‏اى چند بعدى، گرم، بدون واسطه و چهره به چهره، پایاپاى و اغلب دل خواسته و آگاهانه و توأم با احترام و دوستى متقابل است، و ناگفته پیداست که این مسائل، امورى نسبى بوده، به صورت خالص و ناب در هیچ یک از این دو جامعه یافت نمى‏شوند.

ثانیا:در سنجش با یارى، از آنجا که بنیاد همیارى‏ها بیشتر بر زمینه مسائل عینى نهاده شده است، و پدیده‏هاى عینى از نظم و قوانین ویژه‏اى پیروى مى‏کنند، لذا همیارى‏ها نیز به تبع از آنها داراى نظم و استمرار بیشترى مى‏باشند.

از این قبیل است، بیشتر همیاریها و«تعاونیهاى سنتى که بر پایه تولید کشاورزى و دامدارى قرار مى‏گیرند.این گونه یاوریها چون در پیوند نزدیکى با نظم فصول و شرایط اقلیمى از سویى و نظم ارگانیزم‏هاى نباتى و جانورى از سوى دیگر بوده، در نتیجه آن نظم موسمى مى‏گیرند.

به دیگر سخن، یارى غالبا از نوع یاوریهاى کم نظمتر، اتفاقى و گسسته‏تر است در حالیکه همیارى از نوع یاوریهاى منظمتر، موسمى‏تر و پیوسته‏تر مى‏باشد.

گرچه در روستاها و ایلات، نظم موسمى تولید و سنتهایى که در پیرامون آن به وجود آمده سبب شده که بخشى از یاریها نیز به نوعى نظم موسمى پیدا کنند، بطوریکه در روستاها، متکدیان به تعداد فراوان از شهرهاى دور و نزدیک، هر ساله در فصل خرمن به روستاها و سرخرمنها رفته، سهم خویش را طلب مى‏کنند، و چه دست و دل بازند روستاییان ما در این بخششهاى سرخرمن البته اینان در سراسر سال نیز، گاه و بیگاه در سفره دهقان شریکند.

در ایلات سیرجان و از جمله در ایلات«پاریز»تا بیست-بیست و پنج سال پیش رسم بود، که شیر گوسفندان را از اول نوروز تا چهلم، به فقرا، سادات و حمامى و سلمانى و آهنگر مى‏دادند.

ثالثا:در یارى بیشتر، کسب وجهه و آبروى اجتماعى، اجر اخروى، و یا تشفى روانى و غیره براى یارى دهنده مطرح است، و در آن انتظار مقابله به مثل وجود ندارد.

در حالیکه در همیارى، بیشتر هدفهاى عینى، حیاتى و روزمره منظور نظر بوده، انتظار یارى متقابل وجود دارد.

رابعا:تفاوت دیگر یارى و همیارى-هر چند که این تفاوت نسبت به تفاوتهاى قبلى کم اهمیت‏تر مى‏باشد-این است، که در یارى، شناسایى یارى گیرنده از یارى دهنده، در بیشتر موارد شرط نیست، و شناسایى یارى دهنده از یارى گیرنده نیز در بیشتر موارد شرط عمده و اساسى نیست، گرچه این شناسایى مى‏تواند در کم و کیف یارى مؤثر افتد.

در حالیکه همیارى اصولا بر اساس شناسایى و گاه شناسایى‏هاى دراز مدت و نسبتا عمیق طرفین از یکدیگر به وجود مى‏آید.

یارى گروهى سنتى.

«یارى گروهى»حالت بینابینى یارى و همیارى است، که از برخى جهات به یارى و از جهات دیگر به همیارى ماننده است.

البته منظور ما از یارى گروهى سنتى، به آن شکلى است که در روستاهاى و ایلات ایران در گذشته‏اى نزدیک به فراوانى یافت مى‏شده، و هنوز نیز بقایاى آن قابل مشاهده است.

بى‏گمان اینگونه یاورى در کشورهاى همسایه و دیگر کشورهاى جهان نیز وجود داشته و دارد، و منحصر به جامعه سنتى ما نبوده است.

یارى گروهى، از این نظر که در آن انتظار کمک متقابل وجود ندارد، و در آن اجراى سنت و احترام به ارزشها و کسب آبروى اجتماعى و پذیرش اجتماعى و اجر اخروى و تشفى روانى بیشتر مورد نظر است، به یارى شبیه است.

گرچه امکان جبران و کمک متقابل نیز در آن کاملا نفى نمى‏شود.

یارى گروهى اما، اغلب جهتى افقى دارد، و اغلب بین کسانى به وجود مى‏آید، که بر خلاف رابطه یارى، رابطه بین فراتر و فروتر نیست.

یارى گروهى از این نظر و از نظر اینکه یارى‏دهندگان و یارى گیرنده کاملا همدیگر را مى‏شناسند، به همیارى ماننده است.

به نظر مى‏رسد یارى گروهى در گذشته تا مدتها شکل غالب یاورى و یاریگرى در جامعه روستایى و ایلى ما بوده است، چرا که اینگونه یاورى، با یکدستى و هموارى نسبى جامعه روستایى و ایلى ما از نظر نقش و پایگاه اجتماعى، فراوانى نسبى نیروى کار، پائین بودن سطح توقع و نیازها، لزوم یارى و همکارى گروهى براى مقابله با خطرات طبیعى و اجتماعى، وجود خویشاوندیهاى نسبى و سببى، حضور قوى سنتهاى اجتماعى و غیره بیشتر سازگار بوده است.

به نظر نگارنده، انواع همیارى از اشتقاقات بعدى و جانبى یارى گروهى بوده، و نسبت به آن پدیده‏اى تازه‏تر مى‏باشند.

گفتیم یارى گروهى اغلب جریانى افقى است، که بین همترازان برقرار مى‏گردد، و از آنجا که همترازان روستایى چیز زیادى جز نیروى کار خود ندارند که به دیگرى ببخشند، لذا بیشترین یاریهاى گروهى در زمینه نیروى کار و صرف وقت به وجود مى‏آمده است، و در این میان تنها انتظار یارى‏دهندگان از یارى‏گیرنده یک پذیرایى جانانه بوده است.این انتظار هنوز هم در یاریهاى گروهى کاملا پابرجاست، و در ضمن در برخى ترانه‏هاى کار نیز این انتظار به صراحت نمایان است.

بتدریج با پیشرفت جامعه به سوى الگوى تازه‏تر و سوداگرانه، برخى عناصر و از جمله انتظار پذیرایى جانانه، از یاریهاى گروهى به همیاریها سرایت کرده است.بطوریکه در همیاریها نیز زیاده بر انتظار کمک متقابل، انتظار این پذیرایى نیز وجود دارد.

به نظر مى‏رسد انتقال از حالت یارى گروهى به همیارى چنان به آهستگى اتفاق افتاده، که اغلب در گویشهاى محلى هر دو با نام یگانه‏اى خوانده مى‏شوند. گرچه روستاییان بین این دو نوع یاورى فرق مى‏گذارند.

جالب آنکه در برخى مناطق و گویشها براى یارى گروهى و همیارى و یارى در ازاى پول و مزد نامهاى متفاوتى دارند.

براى مثال در روستاهاى الیگودرز مانند«قلعه آشناخور»و«آشناخور»و...به یارى گروهى«هیّاره- Hayyara»گویند، که واژه‏اى است بسیار قدیمى و احیانا کوتاه شده و دگرگون شده«همه-یارى»، و به «همیارى»(یارى با عوض)«کمکى»و به یارى در ازاى مزد«کراکارى-Kerakari»گویند.

در بابل و روستاهاى اطراف آن به یارى گروهى و بلاعوض«کایر-«Kayer»و به همیارى و یارى با عوض«روجارى-«Rujari»گویند.و البته با منسوخ شدن رسم کایر، امروزه معناى این دو واژه به هم نزدیک شده، گاه واژه«کایر»را به جاى«روجارى»نیز به کار مى‏برند.

در نوشهر و روستاهاى آن به همیارى گروهى «کایر»و به همیارى«تکل-«Tekal»و در روستاى ناتر کلاردشت چالوس«کمکى»و«تکل-«Takal» گویند.

هنوز در روستاهاى دورافتاده ما، کار کردن براى دیگرى کمک به شمار مى‏آید، حتى اگر این کار در مقابل و براى مزد باشد، و این به خاطر غلبه فرهنگ یاورى در جامعه سنتى ما، در گذشته بوده، که هر نوع کار براى دیگرى را از این دریچه مى‏دیده است.

حتى در گذشته در بیشتر نقاط گیلان، کارگرانى که در اختیار ملاکان بودند، در برخى مواقع مانند درو، آنانرا نزد صاحب ملک دیگرى مى‏فرستادند، تا بدون اجر و مزد او را کمک کنند که به آنها«یاور-Yavar» مى‏گفتند. 6

نام«همیارى»و«یارى گروهى»در برخى گویشهاى ایران 7 .

نام «یارى گروهى» «همیارى» شهرستان(یاورى جمعى و (یاورى متقابل و بدون عوض) داراى عوض) 1 اراک «مردخوا»، «آدم به آدم»، «دس به دس».«دس به دس».

2 الیگودرز «هیاره».«آدم به آدم»،

«کمکى» 3 بابل «کایر».«روجارى»، «کایر»

کیهان فرهنگی » شماره 22 (صفحه 22)

4 بجنورد «یاورى».- 5 بیرجند «خدا قوتى».- 6 تنکابن «کمکى».«تکل»، «تکل تکلى».

7 چالوس «کمکى»«تکل».

8 خرم آباد «گل».

9 خمین «هیاره»، «کمکى».«آدم به آدم».

10 خوانسار «مردامردى».

11 رشت «یاور».- 12 زنجان «جار».«ال اله».

13 سبزوار - «عمله»، «عوضى».

14 سیرجان «حر».«اسمدادى».

15 قم - «آلاپستا».

16 گلپایگان «کمک»، «مردامردى».

17 لاهیجان «یاور».

18 محلات - «عمله قرضى».

19 نوشهر «کایر».«تکل» 20 نیشابور «یاورى» 21 الیگودرز «هیارا-Hayara».«مارت مارتى- (روستاهاى ارمنى نشین)Martmarti» 22 میانه «ایمجى-Imaji» بیگارى

بیگارى نیز به تعبیرى نوعى یارى گروهى است. فرق آن با یارى گروهى علاوه بر اختلاف جهت کنش یارى، در اجبارى و الزامى بودن آن است.

به عبارت دیگر، بیگارى«نوعى»یارى گروهى واژگونه است، که جهت یارى در آن از ضعفا به اقویاست.

اما شباهت آن با یارى گروهى، در گروهى بودن کار، نداشتن انتظار کمک متقابل، وجود رسم پذیرایى از یارى‏دهندگان است.

گاه نیز مرز بین بیگارى و یارى گروهى به یکدیگر نزدیک مى‏شوند.براى مثال نگاه کنید به«بلک کارى» در اواخر فصل دوم همین کتاب، و فصل چهارم جلد دوم، یارى گروهى و همیارى در برف‏روبى، در پاریز.

نزدیکى و شباهت این دو در برخى موارد-موارد بینابینى-به خاطر تخفیف و یا حذف صفت اجبارى از کار و یا همترازى تقریبى یارى گیرنده، و یا هر دوى اینهاست.

خودیارى

امروز واژه خودیارى در نوشته‏هاى مربوط به مسائل تعاونیها و برنامه‏ریزى و عمران روستایى، با مفاهیمى مانند همیارى، کمک متقابل و همکارى و تعاون، به صورت کلمات مترادف و هم معنا به کار گرفته مى‏شود

این واژه در تعریف«شرکت تعاونى»در ماده 2 قانون تعاون ایران نیز وارد شده است.

«شرکت تعاونى شرکتى است از اشخاص حقیقى و یا حقوقى که به منظور رفع نیازمندیهاى مشترک و بهبود وضع اقتصادى و اجتماعى شرکا از طریق خودیارى و کمک متقابل و همکارى آنان و تشویق به پس‏اندازى موافق اصولى که در این قانون مصرّ است، تشکیل مى‏شود. 8 »

در این تعریف نیز تا جایى که مى‏توان دریافت، مفاهیم خودیارى و کمک متقابل و همکارى به معناى متفاوتى به کار نرفته‏اند.

اما نگارنده، واژه خودیارى را براى نامگذارى نوعى یاورى سنتى به کار برده، که به نظر مى‏رسد، بیش از سایر یاوریها با این نام سازگارى دارد.

این گونه یاورى، با سایر یاوریهایى که تا به حال تعریف کرده‏ایم تفاوتهایى اساسى دارد، که بایستى شناخته شود.

اولا:در یاوریهایى که پیش از این نام بردیم، یارى دهنده و یا، یارى‏دهندگان از یارى گیرنده جدا و قابل تشخیص مى‏باشند.در همیارى نیز که پس از یک مرحله، جاى کمک دهنده و کمک گیرنده تغییر مى‏کند، باز ایندو از یکدیگر قابل تمیز مى‏باشند.

در حالیکه در خودیارى، یارى دهنده و یارى گیرنده قابل تشخیص نیستند، چرا که در واقع ایندو در اینگونه یاورى یکى مى‏باشند.

اما تفاوت خودیارى با کار فردى شخص براى خودش این است که، در خودیارى نیروى افراد یک کاسه و سازمان یافته شده، کارآیى لازم را براى پیشبرد هدف به دست مى‏آورد، و زیاده بر این، کارهاى بسیار سخت، یکنواخت و خسته کننده بدنى را به کارى دل‏انگیز، پرهیجان و شادى‏آفرین تبدیل مى‏کند.

البته این تفاوت بین همیارى و کار فردى نیز صادق است.

ثانیا:به دلایلى که در بالا ذکر شد، جریان و حرکت کنش یاورى در خودیارى بر خلاف سایر یاوریهاى تعریف شده تا اینجا، به صورت خط مستقیم نبوده، و منحنى بسته‏اى است که به شخص برمى‏گردد. گرچه در همیارى نیز پس از یک مرحله و یا مراحلى کوششهاى فرد به او بازمى‏گردد، اما این برگشت نسبت به سایر افراد گروه ناهمزمان مى‏باشد، در حالیکه در خودیارى نتایج کار غالبا همزمان به افراد گروه باز مى‏گردد.

ثالثا:در خودیارى گروه خودیار در مالکیت و یا حقى سهیم‏اند، و همین مالکیت و یا حق، آنها را در اجراى وظایفى نیز سهیم مى‏گرداند.مانند شریک شدن کشاورزان در منابع سنتى آب پس از اصلاحات ارضى، و یا داشتن حقوق مربوط به صاحب نسق بودن پیش از اصلاحات، که سبب شده بود، در هر دو زمان، لایروبى جویها و نهرها به عهده آنان باشد، و در این زمینه کشاورزان با یکدیگر خودیارى داشته باشند.

البته پس از اصلاحات ارضى، وظیفه آنها در خودیارى شامل لایروبى قناتها نیز شده است و این در جاهایى است که منابع سنتى، آب قنات مى‏باشد.

خودیارى یکى از رایج‏ترین یاوریهاى موجود در جامعه روستایى ما مى‏باشد، و اغلب یاوریهایى که در فصل اول این کتاب، در حول نگهدارى و لایروبى منابع و مجارى آب خواهد آمد از جنس خودیارى مى‏باشند.

تعاونیهاى سنتى

مى‏دانیم که واژه تعاون، واژه‏اى عربى و قرآنى است.«تعاون از نظر اشتقاق کلمه از باب تفاعل...است، مصادرى که بر این وزن در زبان فارسى وارد شده بطور کلى دو نوع و در دو معنى متفاوت به کار رفته است.

1:به معنى صفتى و حالتى که در اصل موجود نباشد، به خود بستن و به خود نسبت دادن، مانند...تجاهل، تشاعر، تظاهر و تمارض...

2:به معنى انجام عمل متقابل و در برابر هم، همچون معنایى....که از کلمات مبارزه مصاحبه، مقاتله، مشاجره...به دست مى‏آید، از مصادر تعاون، تعاطف، و تباین نیز فهمیده مى‏شود، بطوریکه معانى به یکدیگر کمک کردن، با هم مهربانى کردن، و از هم دور شدن از این کلمات به اذهان متبادر مى‏گردد.» 9

معادل کلمه تعاون در زبانهاى اروپایى «Coopertion»است.

«در فرهنگ لغات انگلیسى(و بستر)، کلمه «Cooperation)را، کار کردن با هم براى یک مقصود و جمع شدن به دور هم براى انجام دادن یک امر مشترک و عمل همکارى اقتصادى نیز معنى کرده است.

و نیز فرهنگ لغات فرانسه(گراندلاروس)، آن را به معنى عمل همکارى و شرکت در انجام کار مشترک و روش و عملى که به موجب آن افراد یا خانواده‏هاى داراى منافع مشترک مؤسسه‏اى را به وجود مى‏آورند، بیان کرده است.» 10

معانى و تعاریف بالا، معانى لغوى واژه تعاون و معادل اروپایى آن مى‏باشند، که مى‏تواند بسیارى از انواع یاورى و یاریگرى را دربرگیرد، اما از نظر اصطلاحى، نگارنده این واژه را، در طبقه‏بندى خود از یاوریهاى سنتى، براى نامگذارى یکى از کهنترین انواع «یاریگرى»نامزد مى‏نماید-کهنترین و در عین حال همه جانبه‏ترین و زیباترین نوع یاریگرى، که هنوز نیز اشکالى از آن را در روستاها و ایالات این سرزمین مى‏توان جستجو کرد-این نوع یاورى که ما آنرا تحت عنوان«تعاونیهاى سنتى»بررسى خواهیم کرد بیش از دیگر انواع«یاورى»به تعاونیهاى تولید امروزى در جهان نزدیک است، و شایستگى سرمشق گرفتن براى برنامه‏ریزان تعاون کشور را دارد.

متأسفانه، بى‏توجهى، بى‏برنامگى، عدم شناخت و یا شناخت ناقص از روستاهاى ایران، و بازتاب آنها در قوانین اصلاحات ارضى، تمرکز ادارى ناشى از دیکتاتورى و تصمیم‏گیریهاى یک طرفه و از بالا، سبب شد که زیباترین تعاونیهاى سنتى ما، که بیشترین کارآیى و سازگارى با شرایط جغرافیایى و اجتماعى ایران را دارا بودند، و مى‏توانستند ریشه و پایه استوارى براى تعاونیهاى تولید کشاورزى جدید ایران گردند، متلاشى و نابود شوند.

این تعاونیهاى سنتى، که تا پیش از اصلاحات ارضى در بیشتر مناطق کم باران ایران وجود داشته‏اند، به نامهاى بنه، صحرا، حراثه، پیکال، سرکار، پاگار، در کار و غیره نامیده مى‏شده‏اند 11 .

و گاه نیز در مناطق پرآب جنوب، و در کشتهاى مشکلى همچون کشت برنج، هنوز هم بقایاى اینگونه تعاونیها وجود دارد 12 .

تعاونیهاى سنتى در زمینه دامدارى سنتى خوشبختانه هنوز در میان کوچ نشینان ما زنده و رایج است، و به نام‏هاى گوناگون نامیده مى‏شود.

به این گروه‏بندى‏هاى تعاونى در ایل بویر احمدى و ایل بهمنى و...«مال»و در ایل قشقائى«بیله»و «بیلک»و در ایل شاهسون«اردو»و در ایلات بلوچ «هلک»و در عشایر سنگسر«خیل»و در ایلات و عشایر سیرجان و بافت و بردسیر و شهر بابک«ایشوم» گویند 13 .

و بالاخره باید به نوعى تعاونى سنتى زنانه و کهن و بسیار گسترده‏اى که تا چند دهه پیش نه تنها در اغلب روستاها و ایلات ایران، بلکه در اغلب شهرها نیز وجود داشته است و به نامها بسیار متنوعى که مشهورترین آنها«شیرواره»و«واره»است، نامیده مى‏شوند، اشاره کرد.

این تعاونى هنوز نیز گسترده‏ترین نوع تعاونى سنتى در ایران است.

فرق تعاونیهاى سنتى با سایر یاوریها

اولا:گزینش در سایر یاوریها غالبا یا وجود ندارد، مانند بیشتر خودیاریها و یا ناقص است و همه جانبه نیست مانند بیشتر«همیاریها»، که در آن گروه یارى دهنده یکدیگر را نگزیده، و تنها از جانب یارى گیرنده فراخوانده شده‏اند.

در برخى همیاریها حتى ممکن است، گروه یارى دهنده یکدیگر را نشناسند.نگاه کنید به«برابرى» در فصل دوم.

و بالاخره، در اینگونه یاوریها اگر گزینشى هم در میان باشد، این گزینش با سختگیرى و وسواس همراه نیست.

در حالیکه در تعاونیهاى سنتى، افراد گروه یکدیگر را برمى‏گزینند و در این گزینش تا حد امکان، سختگیرى به عمل مى‏آورند، و معیارهاى اقتصادى و غیر اقتصادى متعددى را در انتخاب اعضا در نظر مى‏گیرند.

براى مثال در تعاونى سنتى«شیرواره»، زنان روستایى و ایلى ایران، براى گزینش«همواره»(اعضاى واره)در حدود 17 معیار و ملاک اقتصادى و غیر اقتصادى داشته‏اند، که برخى از این ملاک‏ها در سراسر ایران عمومیت داشته است 14 .

ثانیا:کنش یاورى در انواع یاریگریهاى دیگر، نسبت به تعاونى سنتى گسسته و کوتاه مدت مى‏باشد، در صورتیکه در تعاونیهاى سنتى، این کنش نسبتا پیوسته و دراز مدت است، و حداقل اعضاى تعاونى براى یکسال زراعى 15 و یا سال دامدارى 16 یکدیگر را برمى‏گزینند.

در برخى تعاونیها ممکن است اعضاء سالها تغییر نکرده، و یا بسیار کم تغییر کرده باشد.

ثالثا:تعاونیهاى سنتى به خاطر کنشها و جریانات مختلف یاورى که در آنها برقرار مى‏گردد، پیچیده‏تر از سایر یاوریها بوده، و گاه همه انواع یاورى و از جمله تعاونیهاى کوچکترى را در درون خود جاى مى‏دهد. مانند تعاونى سنتى«شیرواره»در درون«مال».

رابعا:تعاونى سنتى کهنترین گونه یاورى در جامعه انسانى-از جمله در جامعه ایران-بوده است، و به همین جهت، یعنى دیرینگى آنها در ژرفاى تاریخ و گذشته جامعه ما، و همچنین به خاطر گستردگى آنها در پهنه جغرافیایى کشور ما، داراى نامهاى گوناگون مى‏باشند. 17 اعضا نیز اغلب نام ویژه‏اى دارند که بیانگر عضویت آنها در تعاونى است.

این نامها همچنین نشان دهنده یک سازماندهى منظمتر در تعاونیهاى سنتى است.

پى‏نوشتها:

(1).این گفتار بخشى از مقدمه‏اى است بر دو جلد کتاب فرهنگ یاریگرى در ایران.

(2).مهدى هاشمى-کاظم ودیعى.نهضت تعاونى در ایران.تهران 1355.ص 96-97

(3).على اکبر نیک خلق.جامعه‏شناسى روستائى ایران.تهران 1358.پژوهشکده علوم ارتباطى و توسعه ایران.ص 62.

(4).«یاریگر»:صفت مرکب، مرکب از یارى و ادات فاعلى«گر». مددکار، ممد و معاون...مساعد، کمک کننده، یارمند...

«یاریگرى»حاصل مصدر مرکب.یارى، امداد، اعانت...لغت‏نامه دهخدا.حرف«ى».ص 76 و 77.)

(5).قابل تذکر است که برخى مبادله‏ها به خاطر فاصله‏اى که بین «داد»و«ستد»آنها به وجود مى‏آید، ممکن است بخشش به شمار آیند، مانند مواردى از مبادله هدایا که گاه به خاطر فاصله برگشت، یکسویه به نظر مى‏رسند.

(6).منوچهر ستوده.فرهنگ گیلکى.تهران، 1332.انجمن ایرانشناسى.ص 268 و 269.

(7).گاه ممکن است در روستاهاى یک شهرستان، اصطلاحات متفاوتى براى این گونه یاریگریها وجود داشته باشد، در متن کتاب روستاهایى که از هر شهرستان مورد استناد ما مى‏باشند، مشخص شده است.

(8).غلامرضا سلیم.ارزش همکارى در فعالیتهاى تعاونى.تهران، 1357.سازمان مرکزى تعاون کشور.ص 6.

(9).غلامرضا سلیم.تعاون در متون ادبیات فارسى(شامل قطعات برگزیده نثر مربوط به تعاون).تهران، 1347.مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونى دانشگاه تهران.ص 5.

(10).غلامرضا سلیم.همان.ص 7.

(11).درباره انواع«بنه»و دگرگونیهاى آن بعد از اصلاحات ارضى، نگاه کنید به کتاب بسیار ارزشمند نظامهاى تولید زراعى جمعى(بنه)قبل و بعد از اصلاحات ارضى.نوشته جواد صفى‏نژاد.

(12).(نگاه کنید به فصل دوم همین نوشته، «قراع».

(13).نگاه کنید به فصل اول از جلد دوم این کتاب.

(14).مرتضى فرهادى.«واره»نوعى تعاونى سنتى کهن. دستنوشته.ص 7

(15).سال زراعى اغلب از اول مهرماه شروع و تا مهرماه سال بعد ادامه مى‏یابد.

(16).سال دامدارى، در ایلها و عشایر سیرجان و بافت و بردسیر و شهر بابک با«چوپانبندى»(گله‏بندى)در نودم نوروز(اول تابستان) آغاز و تا نودم سال بعد ادامه مى‏یابد.

(17).براى مثال، نگارنده براى تعاونى سنتى«شیرواره»، بیش از 80 گونه نام یافته است.